

چند توصیه
به وزیر اقتصادبدون مشارکت مردم
هیچ سیاستی اثر ندارد

کامران ندیری

استاد اقتصاد
دانشگاه امام صادق

دولت وعده داده بود که سال اول تورم نصف می شود و سال دوم تکریمی می شود. مشخص است که دولت نتوانست به این هدفش برسد و این وعده عملیاتی نشد. اما راهی بانک مرکزی و مرکز آمار در زمینه تورم نشان می دهد که تورم بیش از ۳۰ درصد است و نه نصف شده و نه تکریمی. بنابراین ایشان نتوانستند به این وعده عمل کنند. آقای خاندوزی باید بیشتر از مشاوران خود راهنمایی بگیرد. دولت به صورت مستقیم از بانک مرکزی استقراض نمی کند. طبق قانون دولت اجازه ندارد مستقیماً از بانک مرکزی استقراض کند. یک حساب تنخواه برای دولت در نظر گرفته شده که سه درصد یا چهار درصد از بودجه کشور است که دولت باید آخر سال آن را تسویه کند. یعنی طبق قانون حتی اگر دولت از این حساب تنخواه برداشتی داشته است، باید قبل از پایان سال آن را به بانک مرکزی پس دهد پس در طول سال به طور خالص طبق قانون نمی تواند برای تامین هزینه های خود پایه پولی را اضافه کند. البته در کوتاه مدت و به اندازه سه درصد این اجازه را دارد. اما در بلندمدت چنین اجازه ای ندارد. دولت ها طبق این سازوکار، عمل نمی کنند. دولت ها از بانک ها استقراض می کنند و بانک ها دچار ناترازی می شوند. پس این بانک ها از منابع بانک مرکزی برداشت می کنند. بنابراین بدهی بانک ها به بانک مرکزی را باید بدهی دولت به بانک مرکزی حساب کرد و در این زمینه هم وضعیت دولت آقای رئیسی خیلی بهتر و مطلوب تر از دولت های قبلی نیست. سیاست های انقباضی یک تیغ دولبه است. از یک طرف، رشد نقدینگی را کاهش می یابد و رشد نقدینگی در بلندمدت یکی از عوامل اصلی تورم است و به هر حال اگر بخواهید تورم را کنترل کنید ناچار هستید که رشد نقدینگی را کنترل کنید. روشی که برای کاهش رشد نقدینگی کنترل ترانزنامه های بانک ها است و دولت برای بانک ها محدودیت گذاشته که میزان ترانزنامه و وام دهی آنان، از یک حدی نباید افزایش یابد. اینکه می گویم تیغ دولبه است به دلیل این است که در واقع وقتی تقاضایی برای وام وجود دارد و بانک ها وام نمی دهند، به این معناست که عده ای متقاضی دریافت وام در اقتصاد وجود دارد و حالا که بانک مرکزی محدودیتی برای بانک ها گذاشته است و می گوید نباید میزان وام دهی تان از حدی بالاتر برود، خوب بانک ها باید گروهی از متقاضیان وام را حذف کنند. اینجا عمده ترین بخش خصوصی یا بنگاه های کوچک و متوسط هستند که حذف می شوند؛ زیرا بخش دولتی و بنگاه های بزرگ، در بانک ها نفوذ دارند و منابع محدود اعتباری را به خود اختصاص می دهند، لذا بنگاه های کوچک و متوسط در تنگنای قرار می گیرند و آسیب می بینند. به هر حال می شود گفت که هزینه سیاست های انقباضی اجتناب ناپذیر است و بر تولید اثر منفی می گذارد. پس دولت باید با خود سبک سنگین کند و باید کنترل تورم برایش مهتر است یا آسیبی که به بنگاه های کوچک و متوسط می رسد. باید این برآورد را داشته باشد زیرا وضعیت، وضعیت ساده ای نیست که بتواند همزمان هم تورم را کاهش دهد و هم هیچ آسیبی متوجه بنگاه های کوچک و متوسط نشود. خود دولت باید ببیند کدامیک هزینه بیشتری برای اقتصاد دارد؛ تورم بالا یا آسیبی که به حوزه های کوچک و متوسط می رسد. اولین توصیه من با توجه به گذشت بیش از دو سال از سکانداری آقای خاندوزی این است که واقعیت مربوط به تحریم ها را کتمان نکنند. فشار و مشکلاتی که تحریم ها به مردم تحمیل کرده است را کتمان نکنند و در واقع صحبت هایی که اقتصاد را با تحریم هم می توان اداره کرد یا به تعبیر آقای رئیسی اقتصاد ایران تحریم ناپذیر شده است را جدی نگیرند. انتظار ما از یک کارشناس و متخصص اقتصادی این است که این حرف ها را نزنند. کتمان کردن واقعیت ها اعتبار افراد را کاهش می دهد. مهم ترین چیزی که یک سیاست گذار اقتصادی به آن نیاز دارد، اعتبار است. اگر با این نوع بیان ها و حرف ها - که البته متأسفانه این نوع بیان ها و صحبت ها جدید نیست و پیش از این هم وجود داشته است - چیزی حل می شد، تاکنون شده بود. این گونه کار برای خود دولت سخت تر می شود زیرا بدون همراهی مردم و مشارکت آن ها بهترین سیاست های اقتصادی نیز تأثیری بر اقتصاد کشور نخواهد داشت. در واقع قابل پیاده سازی نیست. همراهی مردم هم چگونه به دست می آید؟ زمانی که سیاست گذار با مردم صادق باشد، وقتی تحریم ها روی زندگی مردم تأثیر گذاشته است و وزیر اقتصاد و رئیس جمهور می گویند تحریم ها اثری نداشته اند، مردم چگونه می توانند به آنان اعتماد کنند؟ خیلی توصیه ها به این بزرگواران داشته ام اولین توصیه این است که با مردم صادق باشند.



طی چندین سال متوالی شعار سال با محوریت رشد تولید انتخاب شد. امسال هم ضمن تأکید دوباره بر رشد تولید، مشارکت مردم در اقتصاد هم مورد توجه قرار گرفت. به نظر شما سیاست هایی که در پیش گرفته شده، تا چه اندازه در راستای تحقق شعار سال است؟

خود را زد. بیشترین تورم قبل از سال پیش مربوط به سال ۱۳۲۲ با رقم حدود ۱۱۰ درصد بوده است. پس عملاً شعار سال گذشته تحقق پیدا نکرده است. برای بررسی تولید هم بهتر است اجزای آن را تفکیک کنیم و میزان رشد نفتی را کاهش دهیم تا ببینیم چه چیزی می ماند، رشد اقتصادی، مقوله ای است که باید همراه با رفاه باشد. رشدی که همراه با رفاه نیست کیفیت ندارد. وضعیتی که امسال داریم هم بدتر از سال گذشته است. یک بدنه شبه علمی رسانه ای ذیل ادبیات فیک دلار زدایی در حال فعالیت است. برخی با ادبیات غیر علمی بدون این شاخص ها مباحث را بررسی می کنند و همچنین ذیل مردمی سازی اقتصاد فعالیت می کنند. طبعاً واگذاری باشگاه های استقلال و پرسپولیس به هلدینگ خلیج فارس و بانک ها، مردمی سازی اقتصاد نیست. بارها گفته شده که بانک ها نباید بنگاه داری کنند و این در تقابل با سخن رهبری است. زیرا چند تا از بانک های مورد علاقه دولتی ها وضعیت بسیار بدی از لحاظ استانداردهای بانکی دارند و در صورت های آنان خبر خوشی وجود ندارد. پس چطور می شود باشگاه فوتبال را به این بانک ها واگذار کرد؟ از سوی دیگر اینکه دولت مرتباً به دنبال دولتی سازی اقتصاد است؛ که برخلاف مردمی سازی به شمار می رود. ترجمان شعار امسال از نظر من به این شکل است که در سال مردمی سازی اقتصاد، تا به اینجا از دیجی کالا که یک بنگاه مردمی و متعلق به بخش خصوصی بوده، بنگاه پرسپولیس و ساخته ایم و از آن به همراه اول دولتی واگذار کرده ایم. همچنین پرسپولیس و استقلال را به بانک ها و هلدینگ خلیج فارس واگذار کرده ایم و این تحقق شعار سال نیست. البته این هم درست نیست که مانند دوران ریاست جمهوری احمدی نژاد وام های زیاد دهیم تا مردم تولید کنند و باعث ایجاد تورم و هدر رفت منابع مالی شویم.

انحصاری خصولتی برون، کشور در وضعیت بدی فرومی رود. امسال، شرکت های دانش بنیان نیز متأسفانه به نحوی دولتی شده و از بخش خصوصی به سمت بخش خصولتی حرکت کردند. این اقدامات در تعارض جدی با شعار سال قرار می گیرد و منجر به خروج سرمایه حقیقی می شود. تمامی شواهد حاکی از این است که شعار سال در جهت معکوس انجام می شود. نکته دیگر اینکه در دنیا برای اینکه بر بانک ها نظارت دولتی وجود داشته باشد، آن ها را خصوصی می کنند زیرا بانک خصوصی تحت نظر دولت است اما نظارتی بر بانک های نیمه دولتی وجود ندارد. ما شاهد این هستیم که امور به سمتی می رود که بانک های خصوصی حذف شوند، اما بانک های متخلف به کار خود ادامه دهند. با وجود اینکه در سال های گذشته برای تسهیل کسب و کارها، قدم های جدی برداشته شد، اما در مواردی که کسب و کارها نقش جدی تری می طلبند، از مردم دعوت به مشارکت نمی شود. چندین سال است که مجوز بانک تجاری داده نشده است و همچنین مجوز شرکت بیمه صادر نمی شود. این بخش ها به صورت انحصاری اداره می شوند. توسعه مالی، در گرو توسعه اقتصادی مردم است اما در زمینه توسعه مالی و گسترش بازارهای مالی کوچک کمترین قدمی برداشته نشده است. متأسفانه حدود ۴۰ روز از سال گذشته اما همانند سال پیش - که شعار آن بهترین شعار سال بود - تورم رکورد زد و همه اقدامات درست برعکس شعار انجام شد.

احمد جانجان: برای اینکه فضاهای صحیحی نسبت به شعار سال داشته باشیم می توانیم به شعار سال گذشته که «رشد تولید و مهار تورم» بود و رخ نداد، مراجعه کنیم. سال پیش تورم، رکورد ۸۰ سال



به عقیده شما در سیاست ها چه تغییر نگرشی باید ایجاد شود تا بتوانیم به سمت تحقق شعار سال حرکت کنیم؟

سرمایه در گردش را برای بخش خصوصی راحت تر کند و از همه مهم تر اینکه خصوصی سازی واقعی رخ دهد. منظور این است که امکان واگذاری سهام شرکت ها به بخش خصولتی گرفته و حذف شود. مسئله دیگر اینکه شرایط فعالیت کسب و کارها تسهیل شوند. این گونه واحدهای خصوصی اقتصادی می توانند به کار خود ادامه دهند. خروج دولت از اقتصاد، کار را برای بخش خصوصی راحت تر خواهد کرد و منجر می شود مردم دوباره پای کار بیایند زیرا به آینده امیدوار می شوند. مشارکت مردمی هم این گونه محقق می شود. مسئله مصاحبه شرکت های دانش پایه باید متوقف شود. اگر قرار است که این شرکت ها واگذار شوند هم باید سهام آن ها به عموم مردم در بورس واگذار شود. اگر فردی برای مدیریت شرکت خصوصی، صلاحیت لازم را ندارد، چرا باید این شرکت در اختیار نهادهای خصولتی قرار بگیرد؟

احمد جانجان: دولت باید دخالت خود را در شرکت های خصوصی تمام کند. دولت باید شرکت های خود را در قالب شرکت های سهامی به بخش خصوصی و مردم واگذار کند و از محل اخذ مالیات امورات خود را اداره کند. این تفکرات جدید چپ که ذیل اسلام مآبانه کردن همان چارچوب کمونیستی ارائه می شود، عاقبت خوشی ندارد و اقتصاد را مردمی نمی کند. آن چیزی که تحت عنوان مارکسیست و کمونیست به نام مردمی سازی کردن



احمد جانجان:
اینکه دولت مرتباً به دنبال دولتی سازی اقتصاد است؛ که برخلاف مردمی سازی به شمار می رود. ترجمان شعار امسال از نظر من به این شکل است که در سال مردمی سازی اقتصاد، تا به اینجا از دیجی کالا که یک بنگاه مردمی و متعلق به بخش خصوصی بوده، بنگاه خصولتی ساخته ایم و آن را به همراه اول دولتی واگذار کرده ایم

علی سرزعی: در همین ۴۰ روزی که از ابتدای سال می گذرد دو اتفاق رخ داده است؛ یکی درباره دیجی کالا و یکی هم مشکلات بورس. در بخش دیجی کالا، شاهد برخورد خیلی تند و غیر متعارف با خطایی بودیم که خارج از کنترل دیجی کالا رخ داد. این خطا منجر شد دیجی کالا را با بخش دولتی معامله کنند و این سمگنال بدی برای فعالان اقتصادی در اقتصاد دیجیتال بوده است. زیرا اقتصاد دیجیتال، تنها حوزه ای است که در دهه ۹۰ با سرمایه گذاری واقعی بخش خصوصی حقیقی شکل گرفت. حالا بخش خصوصی، ترسیده و نسبت به آینده خود نامطمئن است. بخش خصوصی انگیزه سرمایه گذاری بیشتر را از دست داده است. بنابراین، این اقدامات خیلی با شعار سال همسو نبوده است. با ایجاد مشکلات بیشتر برای بخش خصوصی، مردم در اقتصاد مشارکت نمی کنند و رشد تولید فروگاشته می شود. این طور فروختن دیجی کالا هم در مغایرت با مشارکت مردمی و تبدیل بخش خصوصی به بخش خصولتی است. این اقدامات با خصوصی سازی واقعی مغایرت دارد. **علی سعدوندی:** تا این لحظه که دو ماه از سال گذشته است، چندان اقدامات و شعارها همسان نبوده اند. قول دادن با عمل کردن به آن بسیار متفاوت است. ابتدا ادعا شد که دولت می خواهد باشگاه استقلال و پرسپولیس را خصوصی کند؛ اما این باشگاه ها، خصولتی شدند. مالکیت خصولتی از مالکیت دولتی بدتر است. زیرا بنگاه های دولت قواعدی دارند که این قواعد در واحدهای خصولتی، انجام نمی شود. اگر بنگاه های اقتصادی از سوی دولت به سمت



علی سرزعی: در وهله اول باید فضای اقتصادی را از فضای سیاسی و امنیتی دور کنیم و فعالان اقتصادی نباید دغدغه های امنیتی داشته باشند تا بتوانند با خیال آسوده کار کنند. این وظیفه دولت است که برای اقتصاد سیاست گذاری کند و مسائل بنگاه های اقتصادی را حل کند. خود دولت هم نباید وارد معاملات اقتصادی شود که وظیفه خود یعنی کنترل اوضاع سیاسی کشور را در دست بگیرد. انتظار مردم و فعالان اقتصادی از دولت این است که در برابر تهدید از بخش خصوصی حمایت کند. وقتی آقای شریعتمداری در سرمقاله ای نوشت که استارت آپ ها بزرگ شده اند و باید به دولت تحویل داده شوند، فعالان اقتصادی به شدت نگران شدند. تقریباً هیچ یک از مقامات دولتی اظهار نظر و موضع گیری در برابر این گزاره نشان ندادند. کار صحیح این بود که مسئولان بگویند این نظر حاکمیت نیست و حاکمیت با این دیدگاه مخالف است. آقای اژه ای و رئیس جمهور باید در برابر این مسئله موضع گیری می کردند اما متأسفانه تنها آقای خاندوزی موضع دولت را بیان کرد. این شرایط برای رشد تولید بخش خصوصی به هیچ وجه مساعد نیست و مشارکت مردمی را کاهش می دهد.



علی سعدوندی: دولت باید با عکس این روند ادامه کار دهد. یعنی بازارهای مالی را گسترش دهد و از مردم دعوت کند برای ایجاد بانک های جدید و شرکت های جدید مشارکت کنند. دولت باید تأمین

منظور از «بخش خصوصی» که آقای روحانی می گویند در اقتصاد کشور چیست؟ آیا در دولت آقای روحانی خصوصی سازی وجود داشت؟

بتوان گفت وضعیت بخش خصوصی در آن زمان تنها اندکی بهتر از اکنون بود و چه بسیار فرصت های بی شماری که در آن دوره به دلیل کاهلی دولت از دست رفت. هیچ دولتی نمی تواند همه چیز را سامان دهد، معمولاً دولت ها اولین مشکلی که می خواهند حل کنند، مشکل کسری بودجه خودشان است. دولت ها می خواهند با دست انداختن در جیب مردم در قالب طرح های مالیاتی، کسری خود را جبران کنند. ما با مالیات کاملاً موافق هستیم؛ باید با فرار مالیاتی مبارزه شود اما در ادبیات اقتصادی باید بدانیم از کدام راهکارها به چه منظوری استفاده می کنیم. دولت باید بداند که تورم ۵۰ درصدی، دردِ از مردم است، ۵۰ درصد تورم یعنی همه از کارمند دولت گرفته تا کارگر، شش ماه از سال را مجانی برای دولت کار می کنند. هر چقدر مردم از ابتدای سال ۱۴۰۲ تا انتهای آن کار کردند بیش از ۵۰ درصد از ارزش درآمد خود را از دست داده اند. از دست رفتن ارزش پول هم نوعی اخذ مالیات پنهان است که یعنی هر چقدر کار کنید، در جا زده و از سر جای خود تکان نخورده اید. این ها حاصل سیاست های غلط دولت و عدم انضباط بودجه ای است که همه دولت ها انجام داده اند. دولت های قبل هم همین کار را کردند. نقد ما این است.

به آن ها جلب شود، عاقبت خوبی نخواهند داشت. **علی سعدوندی:** واقعیتی اینجا وجود دارد و آن هم اینکه سیاست های آقای رئیسی و دولت سیزدهم، بیش از هر دولت دیگری به دولت آقای روحانی در دوره یازدهم و دوازدهم شباهت دارد. مثلاً وزارت اقتصاد در این دوره دقیقاً کانونی مشابه با وزارت اقتصاد دولت آقای روحانی است. در هر دو دوره این وزارتخانه تصمیم های کاملاً یکسانی گرفت و اتخاذ کرد. ای کاش آقای رئیسی کمی از این دوره فاصله می گرفت زیرا همان طور که دیدیم دولتی کردن اقتصاد و عدم مدیریت صحیح آقای روحانی در زمان ریاست جمهوری منجر به چه تبعاتی برای کشور شد. دولت ها باید توجه خود را معطوف به بهبود فضای کسب و کار برای بخش خصوصی کنند.

احمد جانجان: من در این مسئله خاص، حرف ایشان را تایید می کنم. به عنوان کارشناس اقتصادی اصولگرا که یکی از منتقدان استخوان دار آقای روحانی و دولت ایشان بودم، معتقدم که اکنون بخش خصوصی تبدیل به بخش خصوصی شده است. اما در دولت آقای روحانی هم بخش خصوصی پر و بالی نداشت. شاید تنها



علی سرزعی: بنگاه هایی وجود دارند که دولت و بخش خصوصی در سهام آن با هم رقیب هستند و حتی اگر بیشتر سهام آن در اختیار بخش خصوصی باشد، مدیریت آن در دست دولت است. مثل برخی بانک ها که مدیریت آن توسط دولت انتخاب می شود. این ماجرا آغاز نابودی شرکت های خصوصی است. خصوصی سازی واقعی این است که مالکیت بخش خصوصی قادر به مدیریت بیشتر سازمان هم باشد. بخش خصوصی، عمدتاً بنگاه های کوچک و متوسط هستند و بنگاه های بزرگ همگی دولتی اند. مشکل این است که با وجود اینکه بنگاه های بزرگ اقتصادی، رشد می کنند اما دولت دیگر توان سرمایه گذاری در این بخش را ندارد ولی اجازه هم نمی دهد بنگاه های کوچک خصوصی رشد کنند و به بنگاه های بزرگ تبدیل شوند. سخن آقای روحانی سخن اغراق آمیزی است اما به واقعیت اینکه بنگاه های بزرگ به دست بخش خصوصی اداره نمی شود، اشاره دارد. بخش خصوصی واقعی در این بنگاه ها حضور ندارد و اصلاً بنگاه های کوچک اقتصادی وقتی عاقبت شرکتی سودده مانند دیجی کالا را می بینند، از بزرگ تر شدن می ترسند و ترجیح می دهند که کوچک و متوسط بمانند و زیادی بزرگ نشوند زیرا اگر توجهی

